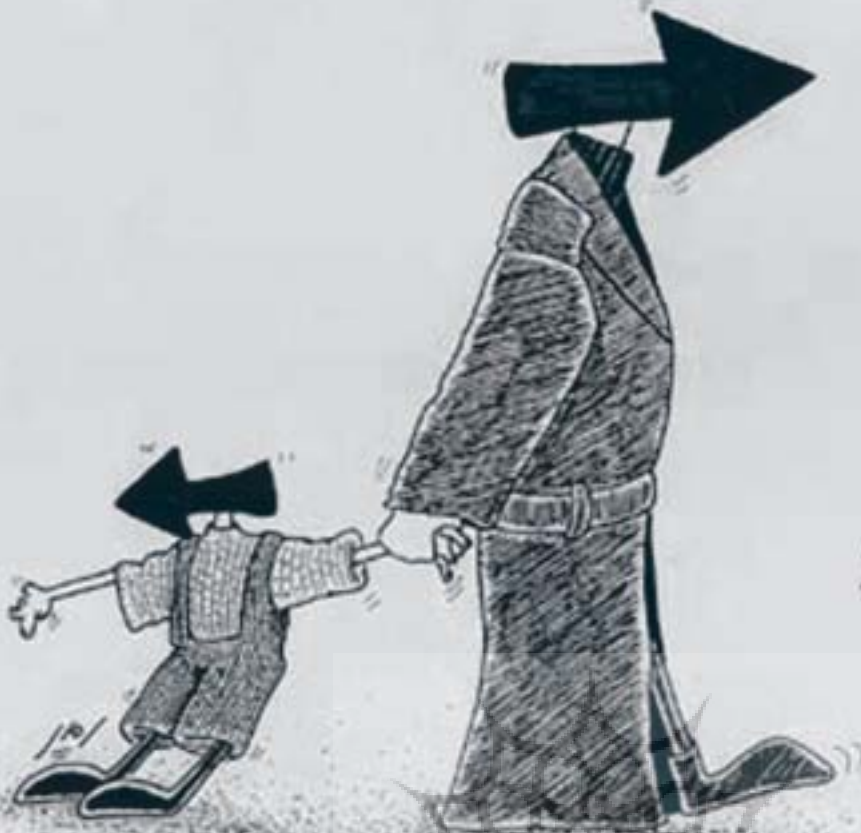


شک را بیشتر بشناسیم

گرد آوری و تلخیص:
آرین پناهپور (تهران)



اضطراب ما در برخورد با مسایل و شناخت واقعیت‌های موجود در اطرافمان دارد؟ آیا این شناخت می‌تواند مانع انحراف و بدبینی شود و در هنرمندانه زیستن به ما کند؟

۱) شک منطقی:

در واقع شک و تردیدی است که بر شالوده منطق و عقل استوار است یعنی مبتنی بر تامل و دقت در باب یک مسئله و قضیه است نه صرفاً بر اساس اضطراب فکری و خیال پردازی و سرپیچی از فرمان عقل. شک منطقی ریشه دار و قاعده مند است.

۲) شک وهمی:

در تقابل با شک منطقی و نام دیگر آن شک روان شناختی است که ناشی از عدم دقت در مسئله است یا تحمل ناپذیری و اضطراب، نیروی توهم انگیز است و ناشی از عقل و منطق نیست.

۳) شک استدلالی:

این شک قرین به استدلال و برهان است. این شک صرفاً مدعای خود را ابراز نمی‌کند بلکه سخن خود را با دلایلی تجهیز می‌کند.

زیاد شک می‌کنیم یا بهتر بگوییم کم نه! اینجا بنظر جایش هست که در موردش صحبتی داشته باشیم تا در برخورد با موانع متوقف نشویم چه بسا با شک بجا هوشیارانه و مدبرانه اقدام به حل مسایل و مشکلاتمان کنیم. پیش آمده که در برخورد با مشکلات دچار ابهام و آشفتگی شویم، در شناخت موضوعات سردرگم شویم، شک در واقع بیانگر اضطراب در فهم و شناخت واقعیت است. اما باید مراقب نفوذ تردید بدبینانه و تاثیرات مخرب آن در زندگی باشیم. اگر قصد ما داشتن یک زندگی متعالی و هنرمندانه است، باید بتوانیم تردیدها و شک‌هایمان را کنترل کنیم.

در کتاب جریان هدایت الهی اینطور می‌خوانیم:

”تردید فرزند نفرت و توهم است. منظور: تردید بدبینانه است. تردیدی آمیخته با تنفر و به انگیزه‌ی انکار حقیقت و فرار از واقعیت ... بسیاری از بلاها و سختی‌هایی که در زندگی انسان واقع می‌شوند ناشی از همین تردید می‌باشند.“*

حالا ببینیم اگر انواع شک را بشناسیم آیا کمکی در کمتر شدن



۸) شک فرامنطقه‌ای^(۳)

درست مقابل شک منطقه‌ای است. این شک محدود به حوزه‌های خاصی از قبیل اخلاق، مذهب و آینده نیست بلکه در موارد دیگر نیز نفوذ می‌کند این شک می‌تواند وجهی از شک نسبی باشد اما با شک مطلق که افراطی است فرق دارد. شک مطلق مرحله بعد از شک فرامنطقه‌ای است که همه ابعاد شناخت را تحت نفوذ خود قرار می‌دهد و چه بسا فرامنطقه‌ای^(۴) است.

۹) شک دستوری:

نام دیگر آن شک روشی است که در واقع همان شکی است که شک دکارتی نیز خوانده شده است. شکاک دستوری برای تعمیق یقین خود شک را دستور کار خود قرار می‌دهد. دکارت از آن جهت به شک دستوری روی آورد تا به یقینی دست پیدا کند که از تشکیک شکاکان مصون باشد. شک دستوری در واقع شک محققین است. وقتی یک محقق در باب یک مسئله تحقیق می‌کند نخست ابعاد و جوانب آنرا به دقت می‌نگرد و سپس در باب آن به قضاوت و داوری می‌پردازد.

۱۰) شک هوسی:

گاهی برخی از فیلسوف نمایان به این شک گرایش دارند. این شک برخلاف شک دستوری مانع رسیدن به حقیقت است. شک هوسی برخاسته از انگیزه حقیقت طلبی نیست بلکه ناشی از هوس است و جز ولنکاری نتیجه‌ای ندارد. انگار اگر شکی وارد کنیم فیلسوف قلمداد می‌شویم.

در پایان این سوال را می‌توان مطرح کرد که ما چه می‌دانیم؟

اگر آنچه را که می‌دانیم و به آن یقین داریم مورد نقد قرار بگیرد،

آیا دچار شک و سردرگمی می‌شویم؟

اعتقاداتی که در اطراف ما وجود دارد ریشه در یقین دارد یا مملو از

شکاکیت است؟ آیا آنچه که یقین پنداشته می‌شود آزمون خودش را

در هیجان زدگی‌ها پس داده است؟

ما در مسیر خود در جایگاه یقین هستیم یا

شک؟

آیا شده از خود پیرسیم نکند خبری باشد و ما از آن بی‌خبر باشیم

یا خبری نباشد و ما مشغول باشیم،

انگار در تنهایی خود در گرداب سردرگمی در حال فرورفتن هستیم.

پس چه باید بکنیم؟

چه کسی دست مرا می‌گیرد و از این گرداب و برزخ مرگ بار نجاتم

می‌دهد؟

۴) شک مزاجی:

نام دیگر آن "شک من چینی" است و فرق آن که در نقطه‌ای مقابل شک استدلالی است، این است که بر مدعای خود استدلال نمی‌کند. صرفاً می‌گوید اگر دیگران به موضوعی یقین دارند شخص او به آن موضوع یقینی ندارد، و ادعا می‌کند مردم زود باور و ساده لوح هستند و با دلایل ضعیفی زود متقاعد می‌شوند ولی او زود باور نیست. جالب است که برای ادعای خودش دلایلی هم ارائه نمی‌دهد. چه بسا می‌توان گفت یک شکاک مزاجی دچار **وسواس فکری**^(۱) است. البته اگر در حیطة شک خود، دلیل بیاورند دیگر شکاک مزاجی نخواهند بود.

۵) شک مطلق:

نام دیگر آن **شک افراطی** است. حد و مرزی نمی‌شناسد و همه چیز را مورد تردید قرار می‌دهد که در تاریخ تفکر "**پیرون**" یک شکاک مطلق گرا بود.

۶) شک نسبی:

از حد افراط بیرون آمده و قضایایی را به عنوان یقینی به رسمیت می‌شناسد. اصولاً شک داشتن‌ها نسبی هستند چراکه افراد شک خیال، مطلق گرا، خودشکن هستند مگر آن که لب فروبندند چرا که اگر بگویند بر همه چیز شک وارد است، یا خود این قضیه یقینی است و یا نیست. اگر یقینی نباشد پس بر مدعای شک مطلق نیز شک وارد است و اگر یقینی باشد باز هم شک مطلق می‌خشکد.

۷) شک منطقه‌ای^(۲)

شکی است که در حوزه‌های معارف خاص از قبیل اخلاق، مذهب و آینده بیشتر رخ می‌دهد؛ انگار قایلان به آن نمی‌توانند مبانی اخلاقی را درست تبیین کنند و دچار شک و سردرگمی می‌شوند. گویا این شک به خصوص در مورد قضایای دینی به اضطراب می‌افتد و یا در باره‌ی این که فردا چه می‌شود یعنی علم به آینده در شک فرو می‌روند بعضی از محققین اعتقاد دارند که اگر این شک کنترل نشود به شک فرا منطقه‌ای تبدیل می‌شود.



بیانیه حذف خشونت
علیه زنان در مجمع
عمومی سازمان ملل در
سال ۱۹۹۳، خشونت
علیه زنان را به عنوان
خشونت علیه بشر و یک
نوع جنایت علیه زنان
تلقی کرد و کنفرانس
جهانی زنان در ۱۹۹۵
در پکن موضوع خشونت
علیه زنان را به عنوان
یکی از ۶ مورد بحرانی
که نیاز به توجه خاص
دولت ها و مجامع
بین المللی و انجمن ها
را دارد مورد بررسی
قرار داد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

arianpanah48@yahoo.com

۴- بسا فرامنطقه ای 4-Super global skepticism

منبع:

(۱) سیمای شک و یقین؛ فصلنامه ذهن؛ سال اول؛ شماره اول؛ بهار
۱۳۷۹

پانویس:

*کتاب جریان هدایت الهی

۱- وسواس فکری (Intellectual Freak (Obsession)

۲- شک منطقه ای Local

۳- شک فرامنطقه ای Global